

# سیاست‌های توسعه آموزش عالی و پیامدهای آن بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها

محمد سهیل سرو\*

جعفر هزارجریبی\*\*

محمد تقی کرمی قهی\*\*\*

اردشیر انتظاری\*\*\*\*

## چکیده

سیاست‌های توسعه آموزش عالی کشور، تأثیر بسزایی در گسترش آموزش عالی، به‌ویژه در بُعد کمی آن داشته و کشور پس از انقلاب اسلامی شاهد راه اندازی مؤسسات آموزش عالی زیادی بوده است. آموزش عالی کارکردهایی مانند تولید، انتقال، مبادله و مصرف علم داشته، اما سیاست‌های آموزش عالی کشور بیشتر به سمت انتقال بوده است. مسئله اصلی این مقاله که با هدف اصلاح سیاست‌های توسعه آموزش عالی نگارش یافته، بررسی و تحلیل علل و دلایل وضع سیاست‌های توسعه آموزش عالی و تأثیرات آن بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده و با استفاده از روش کیفی در سه بخش به انجام رسیده است: ابتدا اسناد، قوانین و سیاست‌ها به صورت مستند مطالعه شده و سپس آمارهای رسمی کشور در بخش آموزش عالی و اشتغال احصا و مورد تحلیل ثانوی قرار گرفته است. بخش دیگر مقاله اختصاص به مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۳۰ نفر از مطلعین و اولیای امور آموزش عالی دارد که با روش تحلیل مضمون، مضامین اصلی سیاست‌های توسعه آموزش عالی به دست آمده است. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که تقاضای اجتماعی، علت اصلی گسترش آموزش عالی و اجرای عدالت آموزشی اصلی‌ترین

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تحلیل سیاست‌های توسعه آموزش عالی و پیامدهای آن بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها» است.

m.soheilsarv@gmail.com

\* دانشجوی دکتری رفاہ اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* استاد گروه تعاون و رفاہ اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسؤل)

Jafar\_hezar@yahoo.com

\*\*\* دانشیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی

mt.karami@yahoo.com

\*\*\*\* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

entezari@atu.ac.i

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۰۴

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال پنجم، شماره نوزدهم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۲۰۲-۱۷۵

دلیل توسعه آن بوده است؛ اما نبود توازن در توسعه کمی و کیفی آموزش عالی و در نظر نگرفتن آمایش سرزمین، عامل اصلی توسعه بی‌رویه آموزش عالی کشور در طول این سال‌ها بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** سیاست‌های توسعه آموزش عالی، اشتغال، فارغ‌التحصیلان، تقاضای اجتماعی، عدالت آموزشی

طبقه‌بندی JEL: E24, I24, D63, J38



## مقدمه

علم و نهادهای علمی را می‌توان دارای کارکردهایی همچون تغییر و تحول اجتماعی، تولید ثروت اقتصادی و توسعه انسانی و سیاسی دانست. آموزش عالی به‌عنوان نهاد علم برای برون‌داد این کارکردها چهار وظیفه اساسی دارد: «تولید»، «توزیع»، «مبادله» و «مصرف علم» (مردانی، ۱۳۹۲: ۶). چهار وظیفه مذکور می‌توانند در یک فرایند هماهنگ با یکدیگر عمل کنند؛ همان‌طور که امکان اختلال در آنها نیز وجود دارد.

وظیفه تولید، ناظر به تهیه محصولات علمی و تربیت اندیشمندان و دانشمندان است. این مقوله با سیاست‌گذاری بر کیفیت محصولات آموزشی و انتخاب افراد به دست می‌آید. وظیفه توزیع، اشاره به انتقال و گسترش نهاد علم و آموزش عالی در سطح کشور دارد که طی آن دستگاه آموزش گسترده شده، داوطلبان و دانشجویان به آن راه پیدا می‌کنند؛ اما گسترش خیلی زیاد که از آن با توسعه کمی آموزش عالی یاد می‌شود، حالتی است که لزوماً با کیفیت همراه نیست. وظیفه مبادله، معطوف به مبادله میان علم و عرصه‌های دیگری است که بیشتر به حوزه صنعت، جامعه و اقتصاد برمی‌گردد. دانشگاه و آموزش عالی به‌عنوان تأمین‌کننده دانش مورد نیاز در یک سوی مبادله و در سوی دیگر صنایع و مقولات اجتماعی به‌عنوان نهادهای نیازمند دانش دانشگاه، برای پیشبرد و پیشرفت محصولات قرار دارند. وظیفه مصرف نیز توجه به استفاده از علم و دانش در عرصه عملی زندگی فردی و اجتماعی، صنعت و بازار، سیاست و اقتصاد است. وظیفه توزیع در توسعه آموزش عالی بسیار فره‌تر از سایر کارکردها است. امری

که نشانه آن را می‌توان در آمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی طی چهار دهه اخیر مشاهده کرد (میرفردی، ۱۳۸۳).

در راستای انجام وظایف مذکور، سیاست‌های آموزش عالی بر اساس زمان و مکان، متفاوت شده و اقتضائات، امکانات و نیز سطح نیاز و تقاضای اجتماعی، موجب وضع سیاست‌های متفاوتی خواهد شد. با بررسی آمارهای رسمی کشور به نظر می‌رسد سهم آموزش عالی در توزیع و انتقال دانش بیش از تولید و مصرف آن بوده است.

توزیع و انتقال دانش با بررسی شاخص‌های توسعه کمی آموزش عالی شامل تأسیس رشته‌ها، دانشگاه‌ها و ظرفیت بالای پذیرش داوطلبان قابل ارزیابی است؛ درحالی‌که استفاده از یافته‌های علمی دانشجویان و اساتید و تولید مقالات و پژوهش‌ها و به‌کارگیری یافته‌های آن‌ها در نهادها و دستگاه‌ها، معرف شاخص‌های تولید و مصرف علم است (انتظاری، ۱۳۸۹). وضع سیاست‌های توسعه آموزش عالی از سوی دولت‌ها را می‌توان، به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل در اجرایی کردن هریک از وظایف تولید، توزیع، مبادله و مصرف آموزش عالی به‌حساب آورد. نوع رویکرد دولت‌ها و مجامع قانون‌گذاری هر کشور بر هر یک از وظایف آموزش عالی متفاوت است.

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، توزیع دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی رشد چشمگیری داشته است؛ به‌طوری‌که جمعیت دانشجو از ۱۷۵ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به چهار میلیون نفر در سال ۱۳۹۶ رسیده است. افزایش جمعیت جوان کشور طی دهه‌های نخست انقلاب اسلامی با تأکید بر عدالت اجتماعی و آموزشی از متغیرهای اصلی افزایش این تعداد دانشجویان و تبدیل آموزش عالی نخبگانی به آموزش عالی توده‌ای است.

مسئله اصلی تحقیق پیش رو، کشف علل و دلایل وضع سیاست‌های توسعه کمی آموزش عالی و پیامدهای این سیاست‌ها بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است. در این راستا، این پرسش مطرح می‌شود که سیاست‌گذاران آموزشی با چه منطق و رویکردی و برای دستیابی به کدام کارکرد اقدام به وضع سیاست‌های

توسعه آموزش عالی در کشور کرده‌اند؟ عوامل این توسعه، ناظر به چه دلایل و عللی است؟ کدام عوامل بیرونی، سیاست‌گذار را به وضع چنین سیاست‌هایی سوق داده است؟ کدام اندیشه بدون وجود علت بیرونی و صرفاً متکی به اندیشه سیاست‌گذاران آن‌ها را وادار به این‌گونه سیاست‌گذاری کرده است؟ گفتنی است ضرورت پرداخت به این مسئله آن است که در حال حاضر، بر اساس داده‌های مرکز آمار، از میان جمعیت بیکاران کشور، دانش‌آموختگان دانشگاهی بیشترین جمعیت بیکار را به خود اختصاص داده‌اند.

با توجه به توضیحات پیش‌گفته، در این پژوهش ابتدا به پیشینه موضوع پرداخته و سپس چارچوب مفهومی مطرح خواهد شد و در ادامه روش تحقیق و یافته‌های پژوهش و سرانجام نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

#### الف) پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع، مطالعات و بررسی‌های زیادی تاکنون در این زمینه صورت گرفته است که یافته‌ها و نتایج آن‌ها در این پژوهش مطالعه شد. این تحقیقات در دو بخش مطالعات داخلی و مطالعات خارجی دسته‌بندی می‌شود:

#### مطالعات داخلی:

۱. «مرتضی مردیها و محبوبه پاک‌نیا» (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «دانشگاه نخبه، دانشگاه توده» به موضوعاتی مانند نقش دانشگاه در بحران‌ها و ایجاد نظم مستقر و نیز بررسی وضعیت موجود و چشم‌انداز آینده علوم انسانی در ایران پرداخته‌اند. بنای اصلی این کتاب بر دوگانه کمیت-کیفیت است؛ به ترتیب بر دوگانه دانشگاه توده-دانشگاه نخبه دلالت دارد. این اثر، افزایش کمی در دانشگاه توده را ملازم با کاهش کیفیت موجود در دانشگاه نخبه می‌داند؛ یعنی در ابعاد مختلف سیاسی از جمله تشکل‌های دانشجویی و ابعاد اجتماعی و فرهنگی همچون رفتار اشرافی دانشجویان در دانشگاه نخبه و نیز بعد علمی افت کیفیت وجود دارد؛ ولی این موارد اموری طبیعی تلقی شده‌اند که در پاسخ به نیاز و حق آموزش از سوی عموم مردم به وجود آمده‌اند، نه یک امتیاز طبقه اشراف به طبقات

عموم مردم، آنچنان که در دانشگاه نخبه اعمال می‌شد.

۲. «الوانی و مردانی» (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی توسعه آموزش عالی ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور» به توسعه همه‌جانبه و پایدار با رویکرد کارآمد سازی و بهبود مستمر نظام آموزشی پرداخته‌اند. هدف از این تحقیق تدوین الگوی توسعه در حوزه آموزش عالی کشور ذکر شده و یافته‌های این تحقیق در نهایت به ارائه بهینه‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در توسعه آموزش عالی به همراه ترسیم الگوی توسعه کلان آموزش عالی در ایران رسیده است.

۳. همتی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «توده‌ای شدن آموزش عالی و زندگی دانشگاهی در ایران» که با روش کیفی و از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده، به تشریح گسترش کمی آموزش عالی و پیامدهای آن بر دانشجویان و اساتید پرداخته است. وی در تحقیق خود به این نتیجه رسیده که توده‌ای شدن به شکل بدقواره‌ای صورت گرفته و اساتید دانشگاهی با وجود موافقت با گسترش کمی، نگرانی‌های عمیقی از دلالت‌های این فرایند برای نظام دانشگاهی و فرهنگ و ارزش‌های آن و همچنین نظام اجتماعی دارند.

۴. صنعت‌خواه (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها»، با بررسی تناسب میان پذیرش در رشته تحصیلی با ورود به بازار کار، نتیجه گرفته است که تناسبی میان پذیرش دانشجو با نیازهای بازار اشتغال وجود ندارد و بیشترین میزان پذیرش در رشته‌هایی است که بیشترین میزان بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند.

۵. قانع‌راد (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «توسعه ناموزون آموزش عالی: بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت» معضل بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت نخبگان را با کاربرد نظریه توسعه ناموزون آموزش عالی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که افزایش مشارکت مردم در آموزش عالی بعد از جنگ جهانی دوم به گسترش آموزش عالی در غرب منجر شد؛ اما تعادل و توازن در سیستم آموزش عالی غربی برقرار است؛ درحالی‌که در سیستم آموزش عالی کشور این توازن به دلیل عواملی مانند عدم تنوع در تأمین منابع اعتبارات، عدم دیوان‌سالاری

اثربخش، عدم تنش میان آموزش و پژوهش و آموزش غیرحرفه‌ای برقرار نیست.

### مطالعات خارجی:

۱. «آلتباخ»<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در پژوهش خود با عنوان «بیداری بزرگ: حال و آینده سیستم آموزش عالی در چین و هند» به بررسی رشد آموزش عالی هند و چین و مقایسه آن دو پرداخته است. نتیجه این تحقیق آن است که چین و هند هر دو دارای بزرگ‌ترین سیستم‌های آموزش عالی جهان هستند؛ اما چین توانسته کیفیت را حفظ کند؛ درحالی‌که آموزش عالی هند کمیت را حفظ کرده و از کیفیت دور شده است؛ علت این امر در صرف بودجه‌های تحقیقاتی زیاد چین نسبت به هند است.

۲. آلتباخ (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان «منطق توده‌ای شدن آموزش عالی» به بررسی روند و سیر توده‌ای شدن آموزش عالی پرداخته و آن را از جمله نیروهای معاصر بسیار تأثیرگذار بر دانشگاه‌ها توصیف می‌کند.

۳. «بلوم و کانینگ»<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در پژوهش خود با عنوان «آموزش عالی و توسعه اقتصادی در آفریقا» تأثیر و رابطه آموزش عالی و توسعه اقتصاد را بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش عالی، پیشرفت فناوری را بهبود می‌بخشد و می‌توان با آن به حداکثر رساندن پتانسیل برای دستیابی سریع‌تر به رشد اقتصادی کمک کرد که به‌نوبه خود باعث کاهش شکاف دانش و کم شدن فقر می‌شود.

۴. «ریدینگز»<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) در کتاب «دانشگاه در حال نابودی» موضوع حرکت دانشگاه‌ها به سمت گسترش کمی و توده‌ای شدن آن را بررسی و نتیجه‌گیری می‌کند که تغییرات گسترده‌ای در نظام‌ها و مؤسسات آموزش عالی صورت گرفته که دانشگاه‌ها را به ویرانه مبدل کرده است.

۵. «اسکات»<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) در پژوهش «معنای آموزش عالی توده‌ای» به این نتیجه

---

1. Altbach

2. Bloom & Canning

3. Readings

4. Scott

رسیده که در بیشتر نقاط جهان تا دهه ۱۹۶۰، اندازه و وسعت آموزش عالی محدود بود؛ اما بعد از آن و به خصوص پس از جنگ جهانی، با افزایش فزاینده تقاضای نسل و انفجار جمعیت، شاهد دموکراتیزه شدن آموزش عالی و چرخش از آموزش عالی نخبه‌گرا به توده‌ای بودیم؛ به خصوص در دهه ۱۹۹۰ که دانشگاه‌های توده‌ای و جهانی در بیشتر نقاط جهان پدید آمدند.

۶. «مارتین ترو»<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) نیز در پژوهش خود با عنوان «چالش‌های انتقال از نخبه‌گرایی آموزش عالی» با تقسیم نظام‌های آموزش عالی جهان به سه دسته «نخبه‌گرا» (مشارکت کمتر از ۱۵ درصد از گروه سنی مربوطه در آموزش عالی)، «توده‌ای» (بین ۲۰ تا ۳۰ درصد) و «جهانی» (بالای ۳۰ درصد)، پیش‌بینی کرده است که بیشتر کشورها به سمت مشارکت توده‌ای یا جهانی در آموزش دانشگاهی حرکت خواهند کرد.

## ب) چارچوب مفهومی

### ۱. سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری در تعریف مرسوم به معنای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است (وحید، ۱۳۸۸). وضعیت مطلوب حتماً با اهداف و ارزش‌هایی ترسیم می‌شود و سیاست‌گذار می‌خواهد وضعیت موجود را بررسی و با جهت‌گیری ارزش‌ها و اصول به وضعیت مطلوب ترسیمی خود برای چند سال بعد دست پیدا کند. این حرکت نیازمند مسیر و ابزارهایی است؛ یعنی سیاست‌گذار باید بداند از کدام مسیر حرکت کند تا به موقعیت بهتری از وضعیت مطلوب می‌رسد.

طبق اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران نظامی مبتنی بر ایمان و مواردی از جمله کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا است که از راه استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها به دست می‌آید. بدین منظور در اصل سوم ذکر شده که دولت



جمهوری اسلامی برای نیل به اهداف اصل دوم همه امکانات خود را برای اموری مانند آموزش عمومی و تسهیل و تعمیم آموزش عالی به کار برد؛ بنابراین مسیر برای سیاست‌گذار مشخص است تا از وضعیت موجود به وضعیت حفظ اهداف برسد. بر این اساس می‌توان توسعه کمی آموزش عالی را با این اهداف درونی، برای مقاصد بیرونی که در ذیل آمده در نظر گرفت.

## ۲. کارکردهای سیاست توسعه آموزش عالی

کارکردهای آموزش عالی را می‌توان در چند مورد زیر بیان کرد:

۱-۲. کارکرد اجتماعی: کارکرد اجتماعی در چند بُعد قابل بررسی است؛ در یک بُعد به معنای تحرک اجتماعی بوده، باعث تغییر طبقه اجتماعی فرد و در نتیجه بهبود زندگی او است. ایجاد حس استقلال و پرورش نخبه، کارکرد دیگر اجتماعی است؛ اما این کارکرد با این اتفاق همراه بود که تا پیش از توده‌ای شدن دانشگاه‌ها عوامل ایجاد تبعیض میان اجتماعات مختلف در نژاد و جنسیت و زبان خلاصه می‌شد. علم نیز به منزله فضیلت بود و عالمان دیگران را از آن بهره‌مند می‌کردند؛ اما در عصر توده‌ای شدن آموزش عالی عوامل تبعیض مذکور کم‌رنگ شده و به اعتقاد برخی عامل تبعیض جدیدی به نام توانایی‌های دانشگاهی به منصفه ظهور رسیده است.

جامعه‌پذیری سیاسی و انتقال ارزش‌ها و ایدئولوژی طبقه حاکم به‌منظور کنترل اجتماعی، بُعد دیگر کارکرد اجتماعی است. دانشگاه دارای دو نوع حیات است؛ نخست حیات عمومی یعنی ویژگی‌های سیاسی و سازمانی و دوم حیات درونی یعنی نهاد فکری بودن آن. این امر در دنیای امروز تعارضی است میان سازمانی سیاسی که به اهداف ملی و پیروی از دستور کار ملی تن می‌دهد؛ به‌واسطه هزینه کرد بودجه‌ای دولت‌ها در آن و نهادی فکری که مرزی نمی‌شناسد و به ارائه خود در سراسر دنیا مشغول است (اسکات، ۱۳۹۷، صص ۱۹۵-۱۹۸).

همبستگی میان اندیشه حاکمیت و افراد جامعه از دغدغه‌های دولت‌ها است. فرایند پذیرش دولت از سوی افراد جامعه امری زمان‌بر و تدریجی و یکی از راه‌های آن انتقال ارزش‌ها و اصول دولت به افراد است. گذشته فرهنگی و

خانواده‌ها یکی از بخش‌های انتقال ارزش‌های جامعه محسوب می‌شود؛ اما هیئت حاکم برای انتقال ارزش‌های خود به دستگامی نیاز دارد. نهاد علم یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که می‌تواند در عین علم‌آموزی، آنچه را مدنظر دولت‌ها است، در فرایندی طبیعی و موجه منتقل کند. این امر ضمن انتقال ارزش‌ها، هژمونی و تسلط بر جامعه را نیز ممکن می‌کند (آشوری، ۱۳۸۷).

بنابراین یکی از سیاست‌های توسعه آموزش عالی را می‌توان به‌خصوص در ابتدای هر انقلابی بسط افکار و ارزش‌های آن انقلاب در میان جامعه از طریق گسترش آموزش عمومی و آموزش عالی دانست. در واقع با تربیت و آموزش اصول و ارزش‌ها به‌وسیله کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها با کمترین هزینه بیشترین فایده نصیب دولت می‌شود که همان سرمایه‌های فکری و فرایند اجتماعی شدن است؛ بنابراین ارزش درونی علم همراه با هنجاری شدن آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۲. کارکرد اقتصادی: کارکرد اقتصادی به معنای تولید ثروت در اقتصاد ملی است؛ به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی توسط دولت‌ها انجام و موجب برتری نسبی اقتصادی و موفقیت برای رقابت بین‌المللی است؛ چون دانش منبع اصلی در اقتصادهای پیشرفته است و باعث تشکیل دو نوع سرمایه اساسی خواهد بود: «سرمایه فکری به شکل امتیازها» و «حقوق تجاری و سرمایه انسانی به‌صورت تربیت نیروی کار ماهر» است.

در گذشته سرمایه مالی و در منابع جدیدتر نیروی انسانی دو مؤلفه اصلی در توسعه هر کشور است. گسترش هم‌زمان سرمایه و نیروی انسانی ملاک توسعه به حساب می‌آیند؛ اما در کشورهای در حال توسعه سرمایه و انباشت آن بر اساس عدم بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی و استفاده از آن در نظام پیرامونی تنها بر نیروی انسانی بوده است؛ یعنی نیروی انسانی غیرماهر به همراه کمبود سرمایه موجب روی آوردن به سیاست توسعه آموزش و توجه به سرمایه انسانی شد.

دیدگاه برخی اندیشمندان این است که نباید تنها به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها اکتفا کرد، بلکه عوامل انسانی را هم باید سرمایه به حساب آورد (سو،

۱۳۸۸، ص ۴۶).

«شولتز»<sup>۱</sup> نخستین بار مفهوم سرمایه انسانی را طرح کرد. او معتقد بود دانش، اصول تعیین‌کننده نوع بشر را تشکیل می‌دهد و منظور او این بود که انسان به‌عنوان عامل تولید از شأنی مانند عوامل طبیعی و فیزیکی برخوردار است؛ اما این پس از آن بود که نگاه اولیه به توسعه بر اساس دیدگاه نرخ رشد و تولید ناخالص داخلی و انباشت سرمایه تغییر کرد و بعدها نظریه منابع انسانی مطرح شد که در کنار سرمایه، انسان را به‌عنوان منبع سرمایه مورد توجه قرارداد. استفاده بهینه از نیروی انسانی و توسعه آن بهترین راه توسعه است (صنوبری، ۱۳۸۸). به‌عبارت‌دیگر عدم گسترش<sup>۲</sup> دانش به معنای عدم توسعه<sup>۳</sup> است.

یکی از علل توسعه سیاست‌های آموزش عالی بر اساس نظریه سرمایه انسانی را می‌توان در سرمایه اندک و فراوانی نیروی انسانی برشمرد. نیروی انسانی نیز یا توسعه‌نیافته است، یعنی متخصص نیست یا به‌درستی از او استفاده نمی‌شود؛ اما در هر حال تقاضا برای به دست آوردن این سرمایه و فایده‌گرایی آن زیاد می‌شود؛ به‌عبارت دیگر تفکر سرمایه انسانی بر مبنای فایده‌ای است که نیروی انسانی متخصص می‌تواند در اختیار جامعه بگذارد؛ بنابراین هزینه زیاد همراه با فایده زیاد و عرضه بالا همراه با تقاضای بالا است. این موضوع در نظریات توسعه و نوسازی بسیار نمایان است.

فلسفه نوسازی این است که با پیشرفت جهان غرب سایر کشورها چاره‌ای ندارند، جز آنکه مشابه غرب شوند تا توسعه یابند (ریتزر<sup>۴</sup>، ۱۳۸۹، ص ۴۴۴). یکی از معیارها برای توسعه تخصص‌گرایی است. تفاوت میان جامعه توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته درجه بالای تخصص‌گرایی، عقلانیت و... محسوب می‌شود (Levy, 1967, p102).

یکی از فرض‌های اساسی در نظریات توسعه این است که آنچه می‌تواند

- 
1. Schultz
  2. Expansion
  3. Development
  4. Ritzer

کشورهای جهان سوم را به پذیرش ارزش‌های نوین سوق دهد، تحصیلات است. «اینکلس»<sup>۱</sup> معتقد بود که با اضافه شدن هر یک سال به تحصیلات فرد، چند درجه به ارزش‌های نوسازی در مقیاس مدرن‌سازی از ۰ تا ۱۰۰ افزوده می‌شود (Chirrot, 1981, p 269)؛ یعنی هرچه سطح تحصیلات بالا رود، امکان دستیابی به توسعه اقتصادی و دموکراسی و غربی شدن بیشتر می‌شود.

شاخص توسعه انسانی<sup>۲</sup> یکی مهم‌ترین شاخص‌های ایجادشده در این زمینه است که شامل سه مؤلفه اصلی است: «امید به زندگی»، «آموزش و بهداشت» و «تولید ناخالص داخلی». توسعه آموزش عالی را در قالب فرایند توسعه می‌توان در این چارچوب مطالعه کرد؛ از این رو، شاخص توسعه انسانی ایران از ۰,۵۶ در سال ۱۹۷۵ به ۰,۷۹ در سال ۲۰۱۸ رسیده که به این ترتیب ایران از رتبه ۱۲۰ به رتبه ۶۰ رسید (HDI, 2018).

۳-۲. کارکرد روان‌شناختی: کارکرد روان‌شناختی به معنای احقاق حق آموزش و دانستن و تبدیل آن به یک نیاز درونی است. در یک سوی، نیاز به آگاهی قرار دارد که حق و نیاز را با هم دارد. در سوی دیگر که حق دانستن قرار دارد، ممکن است احساس نیاز نباشد. این امر منوط به برقراری عدالت اجتماعی است تا همگان برای احقاق حق خود و ایجاد نیاز نسبت به آن به فرصت‌های برابر دسترسی داشته باشند (Rawls, 1971). اگر برای همه افراد جامعه برابری فرصت‌ها وجود داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که افراد با توجه به قابلیت‌های خود و بهره‌گیری از فرصت‌ها به نتایج مناسب دست پیدا کنند.

در صورت عدم برابری فرصت‌ها کسانی که روابط نزدیک‌تری با برخی نهادها دارند، به موقعیت‌هایی می‌رسند که دیگران توان دسترسی به آن را ندارند؛ بنابراین یکی از اهداف سیاست‌گذاری در توسعه آموزش عالی می‌تواند ایجاد برابری فرصت برای همگان باشد تا دسترسی همگانی به آموزش عالی کشور ایجادشده و با ورود به دانشگاه مرزهای طبقاتی شکسته شود.

---

1. Incles

2. Human Development Index(HDI)

### ۳. توده‌ای شدن آموزش عالی

دانشگاه و علم طی دوران چند صدساله اخیر چندین تحول را از سر گذرانده است؛ از دانشگاه‌های سنتی که به آموزش علم می‌پرداختند تا دانشگاه‌های کارآفرین که به کاربردی کردن علوم و مهارت‌افزایی در دانشجویان مشغول بودند تا دانشگاه‌ها در دوران اخیر که به دانشگاه‌های شبکه‌ای تعبیر می‌شوند. دانشگاه‌های سنتی نوعاً در سطح نخبگانی جامعه بودند و ورود سایر افراد جامعه به آن مشکل بود؛ اما در دوران معاصر و به‌خصوص از اواسط قرن بیستم دانشگاه‌ها به سمت دانشگاه توده‌ای پیش رفته‌اند؛ پدیده‌ای با تعداد زیاد دانشجو و گسترش کمی واحدهای دانشگاهی که به‌منظور رشد و توسعه اقتصادی و سازندگی کشورها مورد توجه بود تا نیروی انسانی، نیروی فکری و متخصص زیادی تربیت شود و در آینده کشور به کار آید (فراستخواه، ۱۳۹۲).

اساساً تبدیل دانشگاه نخبه‌گرا به دانشگاه انبوه با عمومی شدن درجاتی از تخصص ملازم بود که اینک به مراحل بالایی تعلیمات عمومی ملحق می‌شود. هنگامی که آموزش عالی از یک امتیاز انحصاری به حقی عمومی تغییر می‌یافت، خودبه‌خود ایجاب می‌کرد که دیگر انتظارات گذشته در مورد آن مصداق نداشته باشد. طلب آموزش عالی به‌عنوان یک حق عمومی عملاً آن را به نیازی تبدیل می‌کرد که در ردیف سایر نیازهای عمومی، مشروط به نیاز به آموزش بیشتر بود که هیچ‌گونه ملازمه‌ای با یافتن شغل متناظر نداشت.

به نظر می‌رسد که یکی از بهترین دلایل برای تقویت این نظر، وضعیت فعلی دانشگاه انبوه در ایران است. در وضعیتی که عموم داوطلبان آموزش عالی به‌خوبی از وضعیت بازار کار و عدم ملازمه میان آموزش دانشگاهی و پر کردن یک پست خالی تخصصی آگاه‌اند، این آگاهی تغییری در تمایل به آموزش عالی ایجاد نکرده است؛ یعنی تقاضا برای دانشگاه زیاد است و رضایت‌مندی از آن احساس می‌شود؛ چراکه وجود آن به‌عنوان نیاز و هنجار اجتماعی شناخته می‌شود که بدون آن امکان زندگی اجتماعی میسر نیست و تأکید مجدد این نکته است که در عصر دانشگاه انبوه، آموزش عالی یک نیاز عام تلقی می‌شود که ضرورتاً ناظر به هدف شغل‌یابی

به معنای خاص آن نیست (اینکه مثلاً هر دانشجوی رشته حقوق تصور کند در آینده وکیل دعاوی یا کارشناس قوه قضائیه می‌شود). این سخن البته منافاتی با اهمیت شغل در فضای روابط اجتماعی ندارد. همچنین به این معنا است که ورود به دانشگاه اغلب با نیم‌نگاهی به آینده شغلی صورت نمی‌گیرد؛ سخن در نفی نوعی تلازم و تناظر یک به یک است، به گونه‌ای که تصور شود در مقابل هر مدرک فارغ‌التحصیلی علی‌القاعده باید یک پست تخصصی متناظر با آن وجود داشته باشد و در غیر این صورت تحصیلات عالی کاری عبث خواهد بود (مردیها، پاک‌نیا، ۱۳۹۶، صص ۲۵۹-۲۶۰).

در بعد جامعه‌شناختی با توده‌ای شدن آموزش عالی و تصمیم بر توسعه سیاست‌های آموزش عالی، بعد ارزشی علم و نهاد علم که در دانشگاه‌های سنتی متداول بود و در ذهنیت جامعه ارزش بالایی داشت، می‌توانست به بُعد هنجاری تبدیل شده و جنبه‌ای دست‌یافتنی و عینی پیدا کند. در بعد اقتصادی نیز عرضه و تقاضای اجتماعی دانش و علم که در دوره‌های متمادی فقط مخصوص طبقه نخبگانی بود، می‌توانست جنبه‌ای عمومی یافته، توازن عرضه و تقاضا را به هم بزند و با افزایش تقاضا عرضه آموزش عالی هم بیشتر شود.

مدل مفهومی تحقیق بر اساس چارچوب مفهومی پیش‌گفته ترسیم شده است. می‌توان گفت توسعه آموزش عالی معلول علل اقتصادی منطبق با قانون عرضه و تقاضا، علل جامعه‌شناختی منطبق با تبدیل ارزش‌ها به هنجارها و علل روان‌شناختی منطبق با پذیرفتن حق و احساس نیاز به یک چیز یا موضوع است؛ بنابراین سه محور در چارچوب مفهومی بحث قابل تصور است. محور «عرضه و تقاضا»، «محور ارزش و هنجار» و «محور حق و نیاز». در صورتی که جامعه‌ای به سمت بالای محور حرکت کند، با افزایش توسعه آموزش عالی به صورت کمی مواجه خواهد شد و در صورت حرکت به سمت پایین محور توسعه کمی آموزش عالی کاهش خواهد یافت.

### ج) روش تحقیق

تحلیل همواره فرایندی رفت و برگشتی بین مجموعه داده‌ها، داده‌های کدگذاری

شده و خارج شده از مجموعه داده‌ها و داده‌های تولیدشده توسط خود محقق است. نوشتن در این روش‌ها جزئی جدا ناپذیر از تحلیل است. نوشتن همانند روش‌های آماری در پایان کار صورت نمی‌گیرد، بلکه باید در همان مراحل اولیه شروع شود. این نوشتن شامل تدوین سریع ایده‌ها و طرح‌های کدگذاری بالقوه برای فرایند کدگذاری - تحلیل مجموعه داده‌ها است. نکته مهم، شناسایی و فهم این مطلب است که خطوط راهنما در روش‌های تحلیل کیفی خیلی دقیق نیستند و از قاعده خاص و ویژه‌ای پیروی نمی‌کنند؛ بنابراین هر محقق لازم است تا با در نظر گرفتن دو اقتضای مهم - سؤالات تحقیق و نوع داده‌ها - در مورد تحقیق خویش، به شکل انعطاف‌پذیری از این خطوط راهنما استفاده کند (Braun & Clarke, 2006, pp 86-87).

بر این اساس محقق برای دستیابی به راه‌حل مسئله تحقیق، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به تحلیل سیاست‌های آموزش عالی و همچنین مصاحبه‌های جمع‌آوری شده از ۳۰ نفر از مطلعین و اولیای امور آموزشی اقدام کرده است. با مطالعه اسناد بالادستی شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، سیاست‌های کلی علم و فناوری تدوین شده توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و ابلاغی از سوی رهبری، نقشه جامع علمی کشور، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و همچنین مطالعه قوانین شش‌گانه توسعه پنج‌ساله کشور و قوانینی و مصوبات مجلس شورای اسلامی و قوانین و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات شورای عالی علوم تحقیقات و فناوری (عتف)، موارد مرتبط با سیاست‌های توسعه کمی آموزش عالی و اشتغال فارغ‌التحصیلان استخراج و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

برای این منظور ابتدا قوانین و سیاست‌های کلان و اسناد بالادستی کشور مطالعه و تحلیل شد. سپس بر اساس نمونه‌گیری هدفمند با انتخاب گزاره‌ها و بخش‌هایی در ارتباط با موضوع تحقیق، گزاره‌های موردنظر انتخاب شد. در مرحله بعد داده‌های نمونه‌گیری مطالعه و کدگذاری شدند. با مطالعه کدها زیر مقوله‌ها تشکیل گردید و با پیدا شدن نقاط اشتراک آن‌ها مقولات به دست آمد و در نهایت

مضمون اصلی یعنی توسعه کمی آموزش عالی حاصل شد. در ادامه با تحلیل ثانویه آمارهای آموزش عالی که در سایت مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به صورت تفکیک سالانه دانش‌آموختگان، ثبت‌نام‌شدگان و دانشجویان آن سال تحصیلی موجود بود، محقق آن‌ها را جمع و تحلیل کرد و بر طبق آمارهای اشتغال برگرفته از سایت مرکز آمار ایران به ترسیم جداول و نمودارها و تحلیل آن‌ها اقدام کرد و این تحلیل در بخش دوم با تحلیل مضمون ۳۰ مصاحبه از افراد مطلع از سیاست‌های توسعه کمی آموزش عالی و مقایسه بین اهداف و آنچه در سیاست‌ها بوده با آنچه مجریان سیاست‌ها اجرا کرده‌اند، ادامه یافت.

مصاحبه‌ها که بر اساس اهداف، مسئله تحقیق و مبانی نظری طراحی شده بود، به صورت مصاحبه نیمه ساختاریافته و با طرح پنج پرسش اصلی انجام شد. همه مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و ضمن مطالعه چندین باره آن‌ها بازبینی و تلخیص شد و نکات زائد آن‌ها حذف و یک نسخه کاغذی آن برای تأیید گفته‌های خود در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. سپس هر یک از واحدهای معنایی در مصاحبه‌ها مشخص و تلخیص شدند و بر اساس آن‌ها کدگذاری صورت گرفت. با مطالعه چندباره واحدهای معنایی و کدها، زیر مقوله‌های اولیه استخراج شدند. مقولات استخراج شده بازبینی و موارد تکراری، مبهم و نارسا حذف یا اصلاح شدند تا راه برای شکل‌گیری مقوله‌های اصلی فراهم شده، با تعیین آن‌ها که هر یک در ارتباط با چندین واحد معنایی بودند، خطوط اصلی و شکل‌دهنده مضمون اصلی تحقیق شکل گرفت.

## د) یافته‌های تحقیق

### جدول ۱. پرسش‌های مصاحبه نیمه ساختاریافته از مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سؤالات
۱	آموزش عالی ایران به خصوص پس از انقلاب اسلامی برای دستیابی به چه چیزی، این‌گونه بی‌رویه توسعه یافت؟
۲	اساساً نقش و ارتباط آموزش و اشتغال چگونه بود و چگونه باید باشد؟
۳	آیا سیاست‌های توسعه آموزش عالی در کشور مبتنی بر نیازهای بازار کار و اهداف توسعه است؟ آیا آموزش باید برای آموزش باشد یا آموزش کارآفرین؟
۴	آیا در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های آموزش عالی مشکل و ضعف قانونی داریم؟
۵	آیا آموزش عالی در ایران به سمت کالایی شدن پیش رفته است؟



بر اساس چارچوب مفهومی تحقیق و تحلیل مضمون مصاحبه‌ها و سیاست‌های آموزش عالی، یافته‌های تحقیق به شرح زیر است که چهار مورد مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و یافته پنجم مبتنی بر تحلیل مضمون سیاست‌های آموزش عالی و مصاحبه‌ها است.

### ۱. رشد ورود دانشجویان به تحصیلات تکمیلی

نرخ رشد دانش‌آموختگان در سال‌های گذشته به‌خصوص در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری بسیار معنادار و رو به افزایش است. حتی در سال‌های اخیر که نرخ رشد جمعیت به نسبت دو دهه پیش کمتر شده است، ثبت‌نام‌ها نیز همچنان روند رو به رشدی را به‌خصوص در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نشان می‌دهد و حاکی از انتقال موج جمعیتی دانشجویان کارشناسی به مقاطع تحصیلات تکمیلی دارد و این مسئله خبر از لزوم تمهید در اشتغال تخصصی برای این گروه از جامعه می‌دهد. معنای دیگر این رشد جمعیت در مقطع تحصیلات تکمیلی تورم مدرکی و مدرک بدون پشتوانه شغلی است؛ چون اکثر بیکاران کشور از تحصیل‌کرده‌های دانشگاه هستند.

### ۲. شاخص‌های سنجش توسعه آموزش عالی

شاخص‌های زیر از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی طراحی شده که محقق با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران نسبت آن‌ها را به دست آورده است:

● نسبت دانشجویان به هیئت علمی تمام‌وقت؛ با بررسی این شاخص به دست آمد که نسبت دانشجویان به استاد ۴۲ نفر است که به ازای ۴۲ نفر دانشجو یک استاد هیئت علمی تمام‌وقت وجود دارد. این نسبت برای اساتید با استادیار به بالاتر برابر ۵۸ و برای مؤسسات دولتی برای همه مرتبه‌های اساتید ۳۹ و برای استادیار به بالا ۴۵ نفر و برای مؤسسات غیردولتی در مورد همه اساتید برابر ۴۶ نفر و برای استادیار به بالا برابر ۸۵ نفر است.

● نسبت اعضای هیئت علمی تمام‌وقت با رتبه استادیاری به بالاتر به کل اعضای هیئت علمی؛ نسبت اعضای هیئت علمی تمام‌وقت استادیار به بالا در

مؤسسات آموزش عالی غیردولتی ۵۴ درصد است؛ یعنی ۵۴ درصد استادیار به بالا و مابقی استادیار به پایین هستند؛ اما در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه‌های دولتی این نسبت ۸۴ درصد بوده است.

### ۳. تکمیل ظرفیت اعضای هیئت علمی

با بررسی آمار اساتید هیئت علمی دانشگاه‌ها می‌توان دریافت ظرفیت جذب هیئت علمی دانشگاه‌ها در مرتبه مربی آموزشی و استادیار که پایین‌ترین مرتبه‌های استادی در دانشگاه‌ها هستند، تقریباً تکمیل است؛ بنابراین دانش‌آموختگان دکتری و کارشناسی ارشد تقریباً امکان محدودی برای جذب در تخصصی‌ترین بخش از مشاغل مرتبط کاری خود دارند و باید بازار کار آن‌ها را درجایی دیگر از جمله مراکز تحقیقاتی و مشاغل اداری و خدماتی جستجو کرد.

### ۴. نسبت فارغ‌التحصیلان و بیکاری

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد؛ علاوه بر اینکه تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده، تعداد و درصد بیکاری این فارغ‌التحصیلان به کل بیکاران نیز افزایش داشته است. در جدول شماره ۲ تعداد و درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی قابل ملاحظه است.

جدول ۲. نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و بیکاری آن‌ها

سال	تعداد فارغ‌التحصیلان	تعداد بیکاران فارغ‌التحصیل آموزش عالی	درصد نسبت به کل بیکاران
۱۳۹۷	۷۷۹,۶۴۶	۱,۲۵۴,۰۵۰	۴۱,۴
۱۳۹۶	۷۹۸,۷۳۶	۱,۱۷۴,۴۸۳	۴۰,۰
۱۳۹۵	۸۵۹,۶۹۷	۱۷۰,۳۴۰,۱	۴۱,۸
۱۳۹۴	۷۳۸,۲۶۰	-	۴۱,۵
۱۳۹۳	۷۱۸,۸۰۱	-	۴۲,۳
۱۳۹۲	۷۱۶,۰۹۶	۱,۰۲۸,۲۴۰	۴۱,۳
۱۳۹۱	۵۷۰,۷۳۰	۱,۰۴۲,۹۶۷	۳۶,۶
۱۳۹۰	۶۰۷,۱۲۱	۸۰۶,۶۳۸	۳۱,۳
۱۳۸۹	۷۶۷,۱۹۱	۹۴۲,۷۰۷	۲۹,۳
۱۳۸۸	۴۵۷,۵۷۴	-	۲۴,۷

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود در طول ۱۰ سال گذشته علاوه بر اینکه تعداد فارغ‌التحصیلان، رشد حدود دو برابری داشته است، به همین نسبت

درصد بیکاران فارغ‌التحصیل دانشگاهی به کل بیکاران کشور حدود دو برابر شده است.

### ۵. مضامین مستخرج از سیاست‌های توسعه آموزش عالی و مصاحبه‌شوندگان

با تحلیل مضمون سیاست‌های توسعه آموزش عالی در اسناد، مصوبات و قوانین بالادستی کشور مقوله‌های مندرج در جدول ۳ به دست آمده است. ابتدا مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی که صرفاً مرتبط با توسعه کمی آموزش عالی است و سپس سایر مصوبات تحلیل شده‌اند.

جدول ۳. مقوله‌ها و مضامین اصلی سیاست‌های توسعه آموزش عالی کشور در قوانین و سیاست‌ها و مصوبات

مضمون اصلی	مضامین پایه	مقوله	
سیاست‌های توسعه آموزش عالی	اهداف و چشم‌انداز توسعه آموزش عالی	علوم تأمین‌کننده کرامت انسان	
		افزایش آگاهی	
		تعمیم آموزش	
		تقویت روحیه تنبّع	
	توسعه کمی آموزش عالی	سیاست‌گذار سیاست‌های کلی	تأمین خودکفایی
	سیاست‌گذار سیاست‌های کلی	توسعه دوره‌های ارشد و دکتری	سیاست‌گذار
		آرمان انقلاب اسلامی	توسعه آموزش عالی
	چگونگی توسعه آموزش عالی	تاکید بر توسعه کمی و پولی آموزش عالی (سیاست توسعه کالایی)	توسعه تحصیلات تکمیلی
		تقویت توسعه کمی آموزش عالی	ارتباط دانشگاه با تولید (سیاست مهارت افزایی)
	چگونگی توسعه آموزش عالی	ارتباط آموزش و نیاز کشور	ارتباط دانشگاه با بازار کار
		چگونگی توسعه آموزش عالی	علت توسعه کمی آموزش عالی
			دلیل توسعه کمی آموزش عالی
	چرایی وضع سیاست توسعه آموزش عالی	عدالت آموزشی - سیاست‌های برابری دسترسی	دلیل توسعه کمی آموزش عالی
		چرایی وضع سیاست توسعه آموزش عالی	سیاست‌های اصلاحی - انتقادی
	چگونگی وضع سیاست‌های توسعه آموزش عالی		سیاست خصوصی‌سازی آموزش عالی
		سیاست‌گذار آموزش عالی کشور	
		توسعه کمی آموزش عالی	
	توسعه کمی آموزش عالی	توسعه نظام‌های پولی آموزش عالی	
		توسعه تحصیلات تکمیلی	
		توسعه تحصیلات تکمیلی	

جدول ۴. مقوله‌ها و مضامین اصلی سیاست‌های توسعه آموزش عالی کشور در مصاحبه‌ها از مطلعین

سیاست‌ها

مضمون اصلی	مقوله	زیر مقوله	مفهوم
علت توسعه بی‌رویه کمی آموزش عالی	دلیل توسعه کمی آموزش عالی	عامل اقتصادی-اجتماعی	عدالت آموزشی
			تقاضای اجتماعی
			تأمین عرضه نیاز جامعه و کشور
			آگاهی بخشی
		عامل فرهنگی	تولید و ایجاد ظرفیت انسانی
			پرستیژ اجتماعی
	ماهیت آموزش عالی کشور	آموزش برای آموزش	آموزش برای آموزش
			آموزش برای کارآفرینی
			آموزش برای مهارت افزایی
		آموزش برای رفع نیاز	آموزش برای توسعه
			آموزش برای تأمین نیاز کشور
			آموزش برای تولید سرمایه انسانی
	علت توسعه بی‌رویه کمی آموزش عالی	ضعف قانون	ضعف مقررات و سیاست‌ها
			ضعف ساختاری
		ضعف انسانی	ضعف مدیریتی
			ضعف نظارتی
جناح‌بازی سیاسی			
ضعف سیاست‌گذاری			
جهت‌گیری آموزش عمومی صرفاً به آموزش عالی			

هـ) تحلیل یافته‌ها

بر اساس جداول شماره ۳ و ۴ می‌توان عوامل مختلف توسعه آموزش عالی را به صورت جدول ۵ خلاصه کرد.

جدول ۵. دلایل و علل توسعه آموزش عالی

نوع عامل	عوامل تأثیرگذار سیاست توسعه‌ای آموزش عالی	پیامدهای مستقیم مرتبط با اشتغال
دلیل	سرمایه‌گذاری انسانی	تورم مدرکی
دلیل	افزایش قابلیت‌های افراد	تولید مدرک بدون پشتوانه
علت	عدم خروج ارز از کشور	کاهش کنترل اجتماعی
دلیل	شکست جامعه طبقاتی	کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی
دلیل	عدالت توزیعی و آموزشی	
علت	تقاضای اجتماعی دانش	
دلیل	حفظ حرمت و ارزش انسان	
دلیل	افزایش مهارت و تخصص	

با تحلیل و مطالعه اسناد و قوانین و مصوبات، این مطلب به دست می‌آید که علل و دلایل توسعه سیاست‌های آموزش عالی (مؤید توسعه آموزش عالی هم آمارهای ثانوی اشاره‌شده و هم سیاست‌های کشور و هم مصاحبه‌ها است) عبارت‌اند از:

- تعدد مراکز تصمیم‌گیری در حوزه آموزش عالی کشور؛  
- تعدد نهادهای سیاست‌گذار و نظارت‌کننده و نامنسجم؛  
- گستردگی زیاد دانشگاه‌های آزاد و پیام نور؛  
- ساختار شورای عالی علوم، وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیئت دولت تفاوت چندانی ندارد و رئیس‌جمهور در هر دوره‌ای رئیس آموزش عالی است و بسته به توجه او آموزش عالی توسعه کمی و کیفی و رونق می‌یابد؛  
- سیاست‌ها هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی و هم در شورای عالی علوم تصویب می‌شود؛

- ساختار مدیریتی جامع نیست؛

- شورای عالی انقلاب فرهنگی فقط رئیس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی وزارتین یعنی دولتی‌ها را تأیید می‌کند و با مؤسسات غیردولتی چندان کاری ندارد؛ همچنین بر اساس مصاحبه‌ها که در جداول بالا خلاصه شده است، چند مقوله اساسی زیر از نظرات کارشناسان به دست آمد:

- توسعه کمی آموزش عالی را باید در بستر تاریخی خود بررسی کرد. این اقدام در زمان خود صحیح و به اقتضای کشور بود؛ هر چند مبتنی بر سیاست مکتوب و مصوبی انجام نشد، بلکه این توسعه بیشتر بر اساس قانون اساسی و توصیه رهبران انقلاب پیش رفت و ظرفیت آزادشده کشور پس از انقلاب اسلامی نیز مکمل آن بود؛ درست همان‌طور که جهاد سازندگی به اقصی نقاط کشور به صورت خودجوش روانه شد، آموزش و آموزش عالی نیز به صورت یک ظرفیت آزادشده انقلاب و درخواست مردم صورت پذیرفت؛ هرچند گسترش آموزش عالی را نمی‌توان تک عاملی و با یک متغیر بررسی کرد.

- علاوه بر ظرفیت و گنجایش آزادشده انقلاب اسلامی، عوامل دیگری در این گسترش مؤثر بودند که پیش از انقلاب نیز روند گسترش آموزش عالی را ایجاد کرده بودند؛ متغیرهایی مانند تقاضای اجتماعی مردم برای اخذ مدرک و استخدام در مشاغل دولتی (بین کسب مدرک دانشگاهی و استخدام در مشاغل دولتی رابطه مستقیم برقرار بود). متغیر بعدی عامل فرهنگی در حوزه تمدنی ایران

بود و در طول تاریخ عموم مردم به عالمان احترام می‌گذاشتند و به ایشان علاقه‌مند بودند. عامل دیگر نقش انقلاب و حکومت در پی‌ریزی عدالت اجتماعی و آموزشی در کشور و نیز نقش مجامع بین‌المللی و توقع سازمان‌ها برای گرفتن آمار از یک کشور انقلابی و دینی در یک جهان علمی و غیردینی بود و اینکه حکومت با عرصه‌های نوین تمدنی مانند آموزش چگونه برخورد می‌کند. عامل پایانی را باید در تولید سرمایه انسانی و پرورش جوانان آگاه و با علم و بصیرت برای کشور در نظر گرفت.

- مصاحبه‌شونده‌ها معتقدند اکنون موج سوم و چهارم آموزش عالی در دنیا در حال پیگیری است که بر دانشگاه کارآفرین و دانشگاه شبکه‌ای تمرکز دارد؛ اما در ایران همچنان بر دانشگاه نسل اول که آموزش برای علم بود تمرکز شده و عملاً مهارت‌افزایی و کارآفرینی هم حاصل نشده است؛ درحالی‌که متناسب با نیازهای کشور و بر اساس آمایش سرزمینی باید به ایجاد ظرفیت‌های دانشگاهی و پذیرش دانشجو اقدام کرد. در برخی رشته‌ها مانند علوم پایه و فلسفه که نیاز دانشی هر کشوری هستند، باید ظرفیتی ایجاد نمود که فارغ از بحث‌های کارآفرینی ادامه یابند؛ اما در سایر رشته‌ها باید کارآفرینی و کاربردی بودن لحاظ شود؛ چون عدم تلازم آموزش عالی با اشتغال‌زایی و مهارت‌افزایی منجر به تورم مدرک و انباشت آن می‌شود که از مدرک دانشگاهی صرفاً برای کسب شغل یا اخذ مرتبه شغلی بالاتر و افزودن به درجه منزلت اجتماعی یا حتی برای از دست ندادن جایگاه اجتماعی و باقی ماندن در اجتماع استفاده گردد.

- میان سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی و برنامه‌ها ارتباطی برقرار نیست؛ یعنی سیاست‌ها جایی گذاشته می‌شود که قدرت و اراده کافی نظارت و ارزیابی قابل اعمال در دستگاه اجرایی را ندارد و دوم اینکه سیاست به برنامه تبدیل نمی‌شود؛ بنابراین در نظام بودجه‌ریزی سالیانه کشور خود را نشان نمی‌دهد و بودجه‌ریزی بر اساس برنامه‌های سابق پیش می‌رود.

- شورای عالی فرهنگی به‌عنوان متولی اصلی پیگیری سیاست‌های وضع‌شده، نظارت و ارزیابی دقیقی ندارد؛ چون اراده کافی در اعضا نیست و سازوکار قانونی

مناسبی هم برای این کار پیش‌بینی نشده است؛ از این رو شورای عالی گسترش که وظیفه توسعه کمی آموزش عالی را بر عهده دارد، می‌تواند منطبق بر سیاست‌ها، گسترش را انجام دهد یا ندهد.

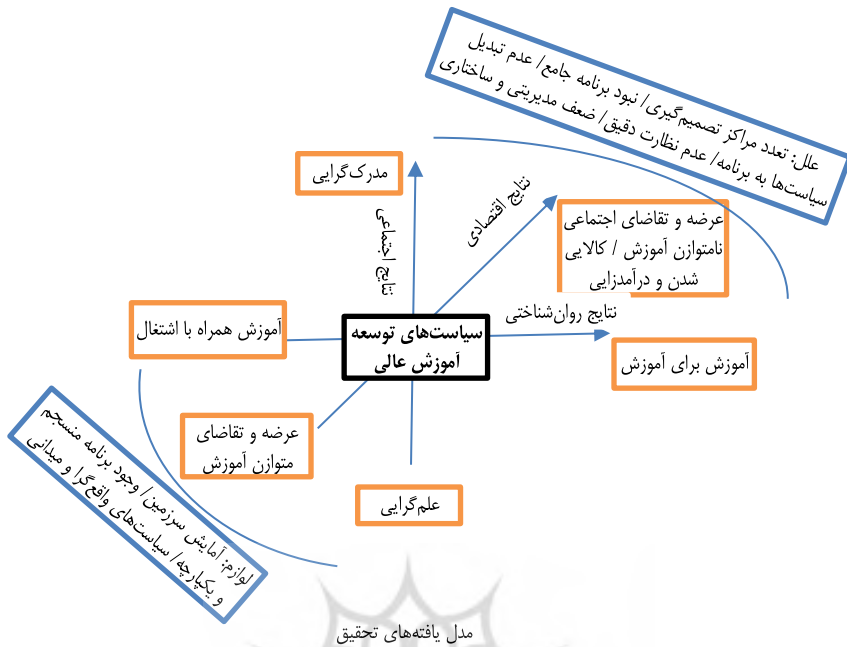
- سیاسی‌کاری در گسترش آموزش عالی از عوامل مؤثر است؛ یعنی با روی کار آمدن هر دولت و نوع ایده و عقاید آن نوعی از قبض و بسط در آموزش عالی دیده می‌شود. در سالیان گذشته دانشگاه‌های دولتی بر دانشگاه‌های آزاد و پیام نور متمرکز شده‌اند تا آن‌ها را تضعیف کنند.

- وجود ضعف ساختاری از دیگر عوامل توسعه بی‌رویه آموزش عالی است. رئیس‌جمهور رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی است که رئیس آموزش عالی کشور نیز به حساب می‌آید. در دوره‌ای رئیس هیئت امنای دانشگاه آزاد نیز شخص رئیس‌جمهور بود؛ بنابراین بر اقدامات توسعه‌ای او کسی نمی‌تواند نظارت داشته باشد؛ یعنی خود او باید ناظر خود باشد!

- فقدان تمرکز در تصمیم‌گیری و تعدد مراکز تصمیم‌گیر در حوزه آموزش عالی کشور عامل دیگر توسعه آموزش عالی است و همین امر منجر شده به اینکه هر نهاد و دستگاهی فعالیت مورد نظر خود را انجام دهد (که بعضاً در راستای درآمذایی است).

### (و) مدل مفهومی تحقیق

بنا بر اظهارات مصاحبه‌شوندگان مدل یافته‌های تحقیق طبق الگوی ذیل به دست آمد:



## نتیجه‌گیری

سیاست‌های توسعه آموزش عالی کشور پس از انقلاب اسلامی به‌خصوص در بعد کمی گسترش قابل توجهی داشته است و مؤسسات آموزشی مختلفی در این سال‌ها تأسیس شده‌اند. در این تحقیق با بررسی آمارهای رسمی کشور مشخص شد بیشترین تعداد بیکاران کشور متعلق به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است که اشتغال‌زایی برای آن‌ها پرهزینه و سخت است. درحالی‌که کمترین نرخ بیکاری به گروه‌های بی‌سواد تعلق دارد که این پاسخی برای پرسش دوم تحقیق یعنی تأثیر سیاست‌های توسعه آموزش عالی بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است. از سوی دیگر با بررسی تمامی قوانین، مصوبات و سیاست‌های توسعه آموزش عالی در اسناد و قوانین مختلف کشور اعم از قوانین مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی گسترش آموزش عالی، سیاست‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام و اسناد بالادستی کشور مانند قانون اساسی و قوانین پنج‌ساله کشور، سیاست‌گذاران سعی بر گسترش کمی به‌خصوص در برنامه‌های اول پس از انقلاب داشتند و در برنامه‌های اخیر بر گسترش کمی تحصیلات



تکمیلی تأکید دارند.

در مصاحبه با ۳۰ تن از مطلعین و برنامه‌ریزان آموزش عالی (برخی از آن‌ها سمت‌های مهمی در سطوح مختلف وزارت عتف و شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتند) آشکار شد که بیشترین دلایل توسعه کمی آموزش عالی به ترتیب مربوط به گسترش علم به‌عنوان قدرت و توانایی، برقراری عدالت اجتماعی و افزایش تقاضای اجتماعی ورود به دانشگاه در سطح کشور بوده است که این مورد پاسخ به پرسش نخست مقاله حاضر یعنی دلایل و علل سیاست‌های توسعه آموزش عالی است.

در هر حال با برآورد نظرات برنامه‌ریزان آموزشی کشور یکی از مهم‌ترین دلایل نامتوازن بودن سیاست‌های توسعه آموزش عالی عدم یکپارچگی برنامه‌ها و تبدیل نشدن سیاست‌ها به برنامه اجرایی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری است که به نظر می‌رسد با حل این موانع امکان توسعه متوازن کمی و کیفی آموزش عالی بر اساس آمایش سرزمین ایجاد شود. راهکار اصلی دیگر مصاحبه‌شوندگان دعوت از تمامی نخبگان علمی برای جمع‌بندی و ارائه یک نقشه آموزشی جامع‌نگر، منسجم و عملیاتی منطبق با واقعیات کشور و منطبق بر نیازهای حال جامعه و همراهی آموزش عالی با بازار کار است. بر این اساس نقشه جامع علمی کشور علاوه بر آنکه بعد از گذشت چند سال از تهیه و تدوین آن نیاز به بازبینی دارد، محتاج سیاست‌گذاری در میدان واقعی و استفاده بیشتر از اندیشمندان کشور با نگاه‌های مختلف است و این امر نیز خود درگرو اجرای آن در برنامه‌های جاری و سالیانه دولت با قرار گرفتن در ردیف‌های بودجه‌ای است.

## منابع

- اسکات، پیتر (۱۳۹۷). *جهانی‌شدن آموزش عالی*. مترجم: رضا فاضلی. چ دوم. تهران: سروش.
- انتظاری، یعقوب (۱۳۸۹). *شصت سال آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در ایران*. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۷). *دانشنامه سیاسی*. چ ۱۶. تهران: مروارید.
- راهکارهای ارتقای عملکرد دانشگاه آزاد در حوزه علم و فناوری مصوب (۱۳۸۶). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- روزنامه رسمی کشور (۱۳۹۶). *قانون پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)*.
- ریترز، جورج (۱۳۸۹). *مبانی نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: نشر ثالث.
- سند نقشه جامع علمی کشور.
- سو، آلوین. ی (۱۳۸۸). *تغییر اجتماعی و توسعه*. مترجم: محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۸). *بخش مصوبات شورا*.
- صنعت‌خواه، علیرضا (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها*. کار و جامعه. (۱۰۹): ۷۵-۵۸.
- صنوبری، محمد (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر سرمایه‌انسانی؛ مفاهیم، ویژگی‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری*. *توسعه انسانی پلیس*. ۶ (۲۲): ۱۳۶-۱۱۹.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). *تحولات جهانی آموزش عالی و دانشگاه‌ها نقد کتاب نظریه جهانی‌شدن و دانشگاه‌ها*. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. (۲): ۱۱۹-۱۳۳.
- قانع‌ی راد، امین (۱۳۸۳). *توسعه ناموزون آموزش عالی: بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت*. *رفاه اجتماعی*. ۴ (۱۵): ۲۵۲-۳۱۴.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- مردانی، محمدرضا (۱۳۹۲). *الگوی توسعه آموزش عالی ایران در افق ایران ۱۴۰۴*. تهران:

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.  
مردیها، مرتضی، پاک نیا، محبوبه (۱۳۹۶) *دانشگاه نخبه دانشگاه توده*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مرکز آمار ایران.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹). *قانون پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸)*.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۳). *قانون پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۷-۱۳۷۲)*.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹). *قانون پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۸)*.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). *قانون پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹-۱۳۸۴)*.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹). *قانون پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)*.

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

میرفردی، اصغر (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی تعامل آموزش عالی و توسعه در ایران*. همایش *آموزش عالی و توسعه پایدار، مجموعه مقالات*. جلد اول. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

الوانی، مهدی. مردانی، محمدرضا (۱۳۹۲). *طراحی الگوی توسعه آموزش عالی ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور*. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. ۴ (۱۴): ۶۸-۲۶.

وحید، مجید (۱۳۸۸). *سیاست‌گذاری عمومی*. ج ۲. تهران: میزان.

همتی، رضا (۱۳۹۲). *توده‌ای شدن آموزش عالی و زندگی دانشگاهی در ایران: تأملی در تجربیات زیستی دانشگاهیان*. *مدیریت در دانشگاه اسلامی*. ۲ (۱): ۱۵۶-۱۲۸.

Altbach, P.G, (2009) *The giants awake: The present and future of higher education systems in China and India*, *Economic and Political Weekly*.

Altbach, P.G. (2007). "The Logic of Mass Higher Education". *Tertiary Education and Management*, 5: 107-124.

Bloom, D. Canning, D. and Chan, K. (2005) *Higher Education and Economic Development in Africa*, World Bank, Washington, DC.

Braun, Virginia & Clarke, Victoria (2006), "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol.3, No.2: 77-101.

Chirot, Daniel (1981), *Changing Fashions in the Study of the Social Causes of Economic and Political Change*, *The State of Sociology*, Beverly Hills, Ca: Sage.

[Http://OneWorldInData.org/tertiary-education](http://OneWorldInData.org/tertiary-education)

Levy, Marion (1967) *Socila Patterns and Problems of Modernization*, Englewood Cliffs: Prentice- Hall.

Rawls, John (1971) *A Theory Of Justice*, Massachusetts: Harvard University Press.

Readings, B. (1996) "The University in Ruins". Cambridge, MA: Harvard University.

Scott, P. (1995). *The Meaning of Mass Higher Education*. Opcn University Press.

Trow, M. (1973). *Problems in the Transition from Elite to Higher Education*. Carnegie Commission on Higher Education Berkeley, Mass Calif.

United Nations (2018) *Human Development Indices and Indicators*, New York: United Nations Development Programme.

